

تأسیس انچه در علم و ادب است و بعضی این تعلیم شود و بکمالی که شود
 انست برسد و افعال که در منقسم بود و قسم است
 یکی اگر راجع شود با نفسی با افراد و این علم اخلاق و فر
 سبت خوانند و دیگر اگر راجع شود بش رکت با افراد و فر
 یو این نیز دو قسم است یکی اگر راجع شود بش رکت و سرت
 یعنی آنچه سبب ان نظام معلول این فاعل و احوال باشد و آنرا
 علم کهضای و بدیه منزل گویند و دیگر اگر راجع شود بش رکت
 و دیگر و علایست یا تعلیم و مملکت و آنرا علم مملکت و ار
 و حساب است مدین خوانند پس لا محاله مقاصد کما
 که هستی و اوج الاشراق فی مکارم الاخلاق است در
 انچه نام ندرت مظهر باشد و چون ادب تدوین تقاضی
 قدیم مقدمه ایست شتمل بر بعضی امور متعلقه بفرهنگ که مو
 اصرات طالب و اعطاء او در تحصیل مطالب باشد
 ترتیب این بر مطلق در بیان امور مذکوره و سه لایع

در مقاصد ندرت و ترتیب و این مقاصد و تقاضی و ترتیب است
 و نظایر آن مناسب شود و التوفیق من الله و لا یستغین
 الا ایاه مطلع قال الله ما خلقنا السموات و الارض و ما
 بینهما الا عیین قوله ۱۲ المستبر انما خلقنا کما عتادوا
 کما المینا لا نرجع عن اذیر و الله این دو نیز قدسی میباشد
 منظر تحقیق را این معنی است هد و معاین شود که در این کائنات
 و تحقیق عالم امکان را که از ممکن غیب نیست و در جبهه
 و ادند و بگویند قوله تعالی صبغنا الله و من احسن من الله
 صبغه اراسته در معرض عیان در آرد و ندیکم اعطی
 کما خلقه مظهر هدی مرکب را غلبی و بعضی سبب
 که بنظر ندرت است چه فعل و چه مطلق و فعلی برقی اگرچه
 معلی باغراض نیست اما خالی از شکم و مصالح غایات
 و غرات نیست چنانچه مرود و مقدمه علم الهی بر این طبع